

انقلاب و شکست «سیا»

۲۳ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۲۸

یکی از مناقشه‌های سیاسی میان دولتمردان آمریکائی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر سر ناتوانی مقامات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» در پیش‌بینی انقلاب و ارزیابی تحولات ایران بود. ا

یکی از مناقشه‌های سیاسی میان دولتمردان آمریکائی در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر سر ناتوانی مقامات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا «سیا» در پیش‌بینی انقلاب و ارزیابی تحولات ایران بود. این در حالی است که بیش از ۴۰ هزار کارشناس، مستشار و عناصر اطلاعاتی آمریکا در آستانه انقلاب و در خلال آن در ایران فعالیت داشتند. علاوه بر این آمریکا دارای پایگاه‌های متعدد استراق سمع و جاسوسی در نقاط مختلف ایران و بویژه در مرزها بود. رژیم شاه ژاندارم آمریکا در خاورمیانه بوده و سفارت آمریکا در تهران از بیشترین پرسنل سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، نظامی و فرهنگی برخوردار بود. نمایندگان سنا و مقامات کاخ سفید بیش از سایر منابع تصمیم‌گیری از ضعف «سیا» در تحلیل رویدادهای ایران به هنگام شکل‌گیری انقلاب انتقاد می‌کردند. اما تصمیم‌گیرندگان و رهبران «سیا» نیز غالباً به هنگام پاسخگوئی، اظهارات «استانفیلد ترنر» رئیس وقت «سیا» را تکرار می‌کردند و مدعی می‌شدند که تنها منبع موثق اطلاعاتی «سیا» از اوضاع ایران ساواک بوده و عدم توفیق «سیا» در پیش‌بینی حوادث ایران نتیجه اتکاء و اعتماد بر گزارشهای ساواک بوده است. در حالی که همین اتکاء توسط سازمانی که فعالیتهای جاسوسی جهانی دارد، دلیل دیگری بر عدم قابلیت «سیا» در انجام فعالیتهای موفق برون‌مرزی شناخته شد. در ماه دی ۱۳۵۷ قبل از فرار شاه از کشور و به هنگامی که منابع سیاسی آمریکا از سقوط شاه مطمئن شده بودند، روزنامه واشنگتن پست چاپ آمریکا گزارشی را به نقل از «سیا» منتشر کرد و در آن به روشنی مجادله میان «سیا» با مقامات سنا را تشریح نمود. سپس روزنامه فایننشال تایمز چاپ لندن خلاصه‌ای از این گزارش را منتشر کرد. در این گزارش که در شماره نهم دی ۱۳۵۷ مجله خواندنیها منعکس گردید. چنین می‌خوانیم:

بعد از این که معلوم شد که بر اثر روابط نزدیک سازمان (سیا)ی آمریکا با سازمان (ساواک) ایران، سازمان سیای آمریکا نتوانست از احساسات و عقیده مردم اطلاعاتی صحیح بدست بیاورد و به موقع، رئیس جمهور آمریکا را مطلع نماید و اطلاعات سازمان سیا اطلاعاتی نادرست بود که سازمان (ساواک) ایران در دسترس (سیا) می‌گذاشت نه فقط رئیس‌جمهور آمریکا ناراضی شد بلکه مجلس سنای آمریکا هم از قصور سازمان سیا ناراضی گردید و تعداد قابل توجهی از اعضای مجلس سنای آمریکا با بلند پایگان (سیا) مذاکره کردند.

بلندپایگان (سیا) در قبال ایراد اعضای مجلس سنای آمریکا می‌گویند حکومت ایران از دوستان نزدیک آمریکا است و آمریکا با ایران پیمان اتحاد دفاعی منعقد کرده و رعایت دوستی، ما را وامی‌داشت که هرگونه اطلاعاتی که از ایران می‌خواستیم از حکومت ایران

دست بیاوریم و چون تمام اطلاعات در دست (ساواک) بود ما از آن مؤسسه رسمی کسب اطلاع می کردیم و کشور ایران یک کشور دشمن نبود که ما برای کسب اطلاعات از اوضاع آنجا به منابع غیررسمی یعنی به افراد و دسته‌ها مراجعه نمائیم و اگر چنین می کردیم سبب عدم رضایت حکومت ایران می شد و ما نمی توانستیم در یک کشور دوست با کسانی که با حکومت مخالف هستند تماس حاصل کنیم و (ساواک) هم همواره به ما اطمینان می داد که هیچ نوع خطری، رژیم ایران را تهدید نمی نماید و مخالفت علمای مذهبی ایران را طوری بدون اهمیت به شمار می آورد که آن را برابر با صفر می دانست. بلندپایگان سازمان (سیا) به اعضای مجلس سنای امریکا گفتند که ما در سال‌های گذشته همواره از پنجاه تا ۷۵ عامل در ایران داشتیم که عمال دائمی ما در آن کشور بودند و علاوه بر آنها، ماگاهی از عمال غیردائمی و موقتی استفاده می کردیم.

بلندپایگان سیا می گویند که اگر ما در ایران با مخالفان تماس حاصل می کردیم تا اینکه از آنها کسب اطلاع کنیم، سازمان (ساواک) نسبت به ما ظنین می شد و درصدد ممانعت بر می آمد و اگر اصرار می کردیم به شکل دشمنی حکومت امریکا نسبت به شاه جلوه می نمود و معلوم نبود منتهی به چه عواقبی بشود.

در سال ۱۹۶۳ یک چنین پدیده‌ای در ویتنام جنوبی بوجود آمد و سازمان سیا با مخالفان حکومت (نگو دین دیم) که دیکتاتور ویتنام جنوبی بود تماس حاصل کرد و در همان موقع (کندی) رئیس جمهور امریکا نشان داد که به حکومت (نگو دین دیم) اعتماد ندارد و دیدیم که حکومت (نگو دین دیم) سقوط کرد.

اگر ما در ایران با مخالفان برای کسب اطلاع تماس حاصل می کردیم و مواجه با مخالفت (ساواک) می شدیم معلوم نبود، وقایع آینده چه خواهد شد؟

با این که اعضای مجلس سنای امریکا با بلندپایگان سیا مذاکره کرده‌اند، از توضیح آنها قانع نشدند در نتیجه یک کمیسیون از وزارت امور خارجه امریکا با شرکت چند تن از سناتورها تشکیل شد تا این که توضیحات سازمان سیای امریکا را بشنود و معلوم شود چرا سازمان سیا که همواره در ایران دارای عده زیادی از عوامل بوده که کارمندان سیا به شمار می آمده‌اند نتوانست وقایعی را که امروز در آن کشور اتفاق می افتد پیش بینی نماید.

یکی از کارهای امریکا در ایران، با شرکت سازمان سیا و کارشناسان دیگر امریکائی نصب دستگاه‌های کسب خبر بود. این دستگاه‌ها، که در طول سال‌ها، با موافقت حکومت ایران برای کسب اطلاعات نصب گردیده، از لحاظ مادی دارای ارزش بسیار است.

ارزش مادی آن ناشی از این می باشد که همه آن دستگاه‌ها گرانبها است و بعضی از آنها از مکمل ترین وسائل کسب اخبار و اطلاعات می باشد و نباید به دست دیگران بیفتد. ولی هیچ یک از آنها نتوانستند به هنگام وقوع انقلاب به یاری سیستم امنیتی و اطلاعاتی امریکا بشتابند...

مجله الکترونیکی « دوران » شماره ۲۶

